

درآمدی بر امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

که مهدی کامکار^۱

که آیت الله دکتر عمیدزنجانی^۲

□ چکیده:

مطالعات امنیتی گر چه از حوزه‌های پژوهشی جدید می‌باشد، اما امنیت موضوعی است که با حیات بشر و خلقت هستی همراه بوده است. بنابراین در دوران‌های مختلف خصوصاً در حفاصل جنگ جهانی اول تا پایان جنگ سرد در حوزه مطالعات راهبردی و بیشتر در قلمرو نظامی، محور مهمی را تشکیل داده است. امنیت ملی را می‌توان توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی دانست که هر نظام سیاسی مهم‌ترین وظیفه خویش را ایجاد و حفظ آن می‌داند و قانون اساسی مرجع همه سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های ملی کشور است، لذا در این نوشتار سعی شده است که ضمن پرداختن به مفهوم امنیت ملی، سطوح و ابعاد آن، جایگاه آن در اسلام؛ مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و مقوله امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که امنیت ملی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی تلقی می‌شود، و نه تنها دیدگاه قانون اساسی به امنیت ملی به دیدگاه سنتی محدود نمی‌گردد بلکه شامل ابعاد جدید آن نیز می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، امنیت ملی، قانون اساسی

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. رئیس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران

□ مقدمه

از امنیت ملی تعاریف متعددی ارائه شده است. عده ای با ایده رئالیستی، عده ای با تفکر ایده آلیستی آن را تعریف کرده و بعضی در سطح خرد فقط به امنیت اقتصادی پرداخته و برخی دیگر فقط بعد نظامی امنیت ملی را مورد بررسی قرار داده اند و عده ای هم در سطح کلان و با در نظر گرفتن تمام ابعاد، امنیت ملی را تعریف نموده اند. اما تعریفی که از امنیت ملی در این جا ارائه می شود، عبارت است از: «توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی. به عبارت دیگر، امنیت ملی عبارت است از این که کشورها چگونه سیاست ها و تصمیمات لازم برای حمایت از ارزش های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی را اتخاذ می کنند» [۱۰۳: ۱]. با عنایت به تعریف فوق از امنیت ملی، لازم است که دو مفهوم دیگر، یعنی تهدیدات خارجی و مفهوم ارزش داخلی که مولفه های تشکیل دهنده امنیت ملی هستند، نیز معنا شوند، تا بتوان بهتر و شفاف تر مطالب مورد نظر را در این نوشتار پی گرفت.

تهدید عبارت است از: آنچه که موجب به خطر افتادن امنیت یک کشور می گردد. این تهدید را می توان به تهدیدات نظامی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات فرهنگی و... تقسیم کرد. ارزش، یعنی مجموعه باید و نبایدهای حاکم در هر جامعه و از دیدگاه فونکسیونالیست ها (کارکردگراها) از جمله پارسونز، «ارزش ها غایات زندگی را تعیین و کنش های افراد را به سوی آن هدایت می کنند» [۸۵: ۲] با توجه به مطالب فوق، می توان ادعا کرد که معمولا ارزش های جوامع، ساخته و پرداخته فرهنگ (فرهنگ، یعنی مجموعه عادات، سنن، مذهب، تاریخ و...)، فرهنگ سیاسی، تربیت، فرآیند جامعه پذیری سیاسی و... است و این ارزش ها، دلایلی را برای اتخاذ تصمیم ها و تعیین هدف ها فراهم می آورند.

بنابراین، اگر ارزش های حاکم، با فرهنگ و اصول ایده آلیستی سازمان یافته و نهادینه شده باشد، در آن صورت پیامد ویژه خود را خواهد داشت و اگر ارزش های حاکم، با فرهنگ و اصول رئالیستی شکل گرفته باشد، تبعات خاص خود را به همراه خواهد داشت و سیاستگذاران و تصمیم گیران آن جامعه در تصمیمات و تعیین هدف های خود، اصول خاص خود را ارزش گذاری خواهند کرد. مثلا در تفکر ایده آلیسم (Idealism) برای اخلاق که یکی از اصول ایده آلیسم است، اهمیت قائلند، در صورتی

که رئالیسم (Realism)، نه تنها به اخلاق اهمیت نمی دهد، بلکه جوامع و کشورهای را که به این اصل اهمیت می دهند و به آن اعتقاد دارند، تهدیدی علیه منافع ملی و امنیت ملی خود می پندارد. بنابراین، به جای پذیرش و یا اعتقاد به این اصل اخلاقی، به اصل دیگری به نام قدرت اهمیت می دهند. [۳: ۱۲۴]

قانون اساسی متشکل از مجموعه قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه کشور و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی های افراد را در مقابل دولت مشخص می نماید. از حیث درجه ارزش اصول منعکس در قانون اساسی، دو وضع در دنیا وجود دارد، محتوای بعضی از قوانین اساسی دارای ارزش یکسانی است و امکان تجدید نظر هم برای همه اصول به یک نحو است، اما بعضی از قوانین اساسی مشتمل بر دو نوع مقررات هستند، مقرراتی که تحت شرایطی قابل اصلاح و تغییر و تبدیل اند و دسته ای ثابت و غیر قابل تغییر اعلام می شوند که قانون اساسی جمهوری اسلامی از نوع دوم است. در ذیل اصل ۱۷۷ چنین آمده است «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره کشور با اتکا به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.» [۴: ۲۷]

لذا با عنایت به مطالب پیش گفته به منظور بررسی در آمد گونه بر مقوله امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به مفهوم امنیت و سطوح آن، امنیت ملی و ابعاد آن، رهیافت های سه گانه امنیت ملی، جایگاه امنیت ملی در اسلام و سپس مبانی آن در جمهوری اسلامی و در قانون اساسی در این نوشتار پرداخته شده است.

□ بیان مسأله و ضرورت تحقیق

از گذشته تا به حال تلاش های زیادی جهت تعریف امنیت و به معنای دقیق تر پدیده شناسی امنیت انجام گرفته است. برخی امنیت را فقدان تهدید تعریف کرده اند و حفظ و تأمین آن را از طریق افزایش توان نظامی امکان پذیر دانسته اند، در نتیجه نامنی - نه امنیت - را مبنای پژوهش های خود و چگونگی کنترل آن قرار داده اند. برخی امنیت را مترادف با صلح تعریف کرده اند و معتقدند امنیت جنبه تأمینی دارد و فقدان تهدید نسبت به منافع ملی یک کشور مساوی با امنیت است. علاوه بر این موارد برخی دیگر

مانند «گالتنگ» مفهوم «امنیت اطمینان‌بخش» را مطرح کرده‌اند و امنیت را مترادف با ریشه‌کنی خشونت از جوامع انسانی دانسته‌اند.

هر نظام سیاسی مهم‌ترین وظیفه خویش را ایجاد و حفظ امنیت ملی دانسته و با هر گونه تهدید که امنیت آن را به خطر بیندازد، به مقابله می‌پردازد. در واقع، دفع کردن خطرات توسط هر نظامی، امری معقول و پسندیده می‌باشد.

چنانچه امنیت ملی را توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی بدانیم، یا به سخنی دیگر، امنیت ملی را عبارت از این بدانیم که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی اتخاذ می‌کنند، از آن جا که قانون اساسی مرجع همه سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های ملی است و در واقع نقشه کوچک حقوق اساسی نظام است، لذا بررسی مقوله امنیت ملی در قانون اساسی هر کشوری حائز اهمیت فراوانی است به ویژه در قانون اساسی ما که قانونی مدرن و در نوع خود بی‌نظیر و ملهم از مبانی دینی می‌باشد.

□ سؤال تحقیق

این تحقیق در واقع به دنبال پاسخ به این پرسش است که «در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه نگرشی (سنتی، جدید) نسبت به امنیت ملی وجود دارد؟»

□ فرضیه تحقیق

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مبانی دینی به ابعاد مختلف امنیت ملی و نگرش‌های سنتی و جدید آن توجه دارد و اصولی در این قانون وجود دارد که تنها از دیدگاه جدید به امنیت قابل درک است.

□ روش تحقیق

در این نوشتار تلاش می‌شود، با استفاده از روش تحقیق کیفی و بررسی اسنادی عمیق، با توجه به تعاریف مدنظر، مقوله امنیت ملی در قانون اساسی مورد کنکاش قرار گیرد. برای جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله بیشتر از اسناد کتابخانه‌ای و نظر صاحب نظران استفاده شده است.

□ مفهوم امنیت و سطوح آن

امنیت در لغت به معنای «آرامش، آسودگی و در امان بودن» است و آن حالتی است که به موجب آن، هرکس فارغ از بیم تهدید به جان، مال و شرف و آبروی خود و یا از

دست دادن آنها زندگی کند. [۲۳۴: ۵] واژه «امنیت» در فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها از وجوه مختلفی برخوردار است که در میان همه این تعاریف دو مورد زیر جامع‌تر به نظر می‌رسد:

۱. وجود اطمینان نسبت به سلامت تن و جان، مال و ناموس
۲. مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه یا دولت.

ریشه لغوی این واژه از «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان»، است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه نموده اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند.

امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی هم هست. امنیت ذهنی یا به اصطلاح «امنیت پنهان» که نسبت به سایر اشکال امنیت، همانند روح است نسبت به جسد، کمتر مورد توجه واقع شده است. عموماً امنیت را در قالب تهدید نکردن تعریف کرده اند که امری عینی است. اما باید اضافه کرد امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست و این همان امنیت ذهنی است.

بعضی از فیلسوفان و دانشمندان منبع اصلی نا امنی را در طبع بشری جستجو می‌کنند و معتقدند که با توسعه آموزشی، اخلاقی، مذهب‌ی و فلسفی، نوع بشر می‌تواند در صلح و امنیت زندگی کند که این نظریه برای جستجوی نا امنی بر سطح تحلیل فردی توجه دارد. شماری دیگر بر این باورند که نا امنی ناشی از روش‌های نامناسبی است که جوامع، اقتصادها و ملت‌ها بر اساس آن سازمان داده می‌شوند و تدوین درست ساختار جامعه، اقتصاد یا سیاست می‌تواند علل اساسی جنگ‌ها را رفع نماید که این نظریه بر سطح تحلیل دولت استوار است. تعدادی از متفکرین مهمترین منبع نا امنی را ناشی از هرج و مرج حاکم بر روابط بین دولت‌ها می‌دانند که در مطالعات معاصر تحت عنوان معمای امنیت نامبرده می‌شود که این نظریه بر سطح تحلیل سیستمیک توجه دارد.

هم چنین امنیت را از لحاظ سطوح شمولیت به امنیت فردی، امنیت گروهی، امنیت ملی، امتی و جهانی می توان تقسیم نمود.

□ امنیت ملی و ابعاد آن

امنیت ملی در واقع مفهومی غربی و خصوصاً امریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح گردیده است. از لحاظ نظری اولین بار چارلز بیرد مفهوم امنیت ملی را در متون تخصصی روابط بین الملل وارد کرد. او در کتاب اندیشه منافع ملی، امنیت ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع عمومی در داخل قلمداد نمود و البته برای اولین بار والتریلیمن بود که اصطلاح امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود وی می نویسد: یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ قربانی کند و در صورت لزوم نیز قادر باشد که منافع مشروع خویش را از طریق جنگیدن حفظ کند.

بیشتر تحقیقات علمی و دانشگاهی در زمینه امنیت ملی را می توان به دو دسته عمده تقسیم بندی کرد:

۱- پژوهش هایی که امنیت ملی را اساساً حول محور به حداکثر رساندن قدرت ملی در یک وضعیت بر خورد نظامی مورد بررسی قرار می دهند. به تعبیر این دسته یک ملت وقتی دارای امنیت است که قدرت خود را در یک تناسب به زیان کشورهای دیگر افزایش دهد. افکار کسانی که رویکرد ناظر بر قدرت را ترجیح می دهند مبتنی بر مکتب رئالیستی در روابط بین الملل است و بسته به این که نظر خود را بر کدام جزء از اجزاء امنیت ملی متمرکز کرده باشند، با سه رویکرد یا نگرش نظامی، اقتصادی یا سیاسی آثار خود را نوشته اند که بر این مبنا می توان آنها را چنین دسته بندی نمود:

الف- نگرش نظامی: نخستین مطالعات مربوط به امنیت ملی نخست معطوف به مسائل نظامی بوده و نخستین تعبیر از امنیت، تعبیر نظامی بود و مهمترین موضوع یافتن بهترین استراتژی برای یک جنگ تمام عیار هسته ای و بهترین راه برای باز داشتن حمله اتمی بود.

ب- نگرش اقتصادی: دو جنگ جهانی اول و دوم به وضوح نشان داده بود که توان صنعتی و منابع اقتصادی یک ملت چگونه محور توانائی آن ملت را در جنگ تشکیل

می دهد. این بود که کارشناسان مسائل امنیت ملی در مباحثات خود بیشتر از پیش به مسائل و ملاحظات اقتصادی روی آوردند. از جمله مسائل مورد بررسی در این حوزه این بود که چه نسبتی از منابع برای محافظت از ارزش های داخلی در برابر تهدیدات خارجی لازم است.

پ- نگرش سیاسی: توجه به جنبه سیاسی مسائل امنیت ملی کمی دیرتر از توجه به مسائل نظامی و اقتصادی صورت گرفت. در مورد وجه سیاسی مسائل امنیتی، محققان ابتدا به بحث در باره بهترین ساختارهای سازمانی برای هماهنگ نمودن مسائل پیچیده امنیت ملی و آنگاه به نقش مردم در طراز بندی سیاست امنیت ملی پرداختند.

۲- تحقیقاتی است که بیشتر متوجه همکاری بین المللی، افزایش قدرت نهادهای بین المللی و کاستن از قدرت ملی و رقابت های تسلیحاتی می باشد و به طور صریح و با ضمنی بر این اصل تکیه دارند که امنیت ملی متکی به پیشبرد امر همکاری بین المللی و حتی هم پیوندی بین المللی است. کسانی که به رویکرد مبتنی بر صلح علاقمند هستند کم و بیش متکی به آراء مکتب ایده آلیستی هستند. شایان ذکر است که تا دهه ۱۹۸۰ این دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مساله امنیت ملی حاکم بود. شاید مشهورترین اثر مکتوب در زمینه مفهوم امنیت، مقاله آرنولد ولفرز در خصوص امنیت ملی است. وی امنیت را در معنای عینی آن فقدان تهدید نسبت به ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی آن، فقدان هراس از این که ارزش های مزبور مورد حمله قرار گیرد می داند.

بوزان ابعاد امنیت ملی را در حوزه های امنیت سیاسی، نظامی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی می جوید [۱۷۱: ۶]. مانند نیز امنیت ملی را در همین حوزه ها اما با نگاهی متفاوت از بوزان بررسی می کند. [۸۳: ۷]. به طور کلی، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که نسبت به آنها مشروعیت می بخشد.

امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان،

فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشر بدان متکی است.

نکته قابل تامل آن است که لازم است معنای واقعی امنیت را بیشتر از آن که در سایه اولویت بخشیدن به یک مورد از ابعاد فوق جستجو کرد، در ارتباط بین آنها پی گرفت. امنیت نظامی و اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی یا اقتصادی و محیطی را نمی توان بدون توجه به قسمت های دیگر درک کرد. بدین ترتیب امنیت ملی مسأله ای نظام مند است که در آن افراد، دولت ها و سیستم های بین المللی همگی نقش دارند و عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی به اندازه عوامل سیاسی و نظامی مهم هستند.

□ سه رهیافت از امنیت ملی

پس از جنگ سرد علاوه بر رهیافت رئالیستی و لیبرالی، رهیافت سوم و یا جامع نیز مطرح گردیده است که در ادامه به طور مختصر به آنها اشاره می شود:

۱- رهیافت رئالیستی

واقع گرایان انسان را خشونت گرا و جهان را آنارشویستی می پندارند و لذا قدرت را روزنه بقاء و آن را عامل امنیت می دانند، یعنی امنیت را ثمره قدرت می دانند. این رهیافت بر تقدم امنیت نظامی در روابط بین الملل تاکید می نماید و طی دوران جنگ سرد بر محافل علمی و مراکز تصمیم گیری حاکم بوده است. از دیدگاه رئالیستی سیاست های بین المللی عرصه بنا شده برای قدرت دولت های حاکم و مراکز تصمیم گیری حاکم در جهان هرج و مرج آمیز به شمار می رود و رفتار بین المللی، جنگ ها و اتحاد ها همگی کوشش برای کسب برتری و توازن قدرت با رقیبان است. از دیدگاه آنها، دولت ها با حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی منافع ملی خود را دنبال می کنند. تعریف واقع گرایان از امنیت ملی بسیار محدود است و تهدیدها اغلب خاستگاه خارجی و چپستی نظامی دارند هدف تهدیدها نیز عمدتاً تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها است. لذا بر اساس این دیدگاه بهترین توصیه جهت دستیابی دولت به امنیت ملی عبارتست از ساخت تاسیسات قدرتمند نظامی و تلاش برای برتری نظامی. با پایان جنگ سرد بحرانی فکری در میان رئالیست ها رخ نمود، چرا که رهیافت آنها نتوانسته بود فروپاشی شوروی را پیش بینی و تحلیل نماید.

۲- رهیافت لیبرالی

لیبرالها مفهوم امنیت را توسعه داده و آن را به حیطه تهدیدهای عمده ای در مورد امنیت انسانی تتری داده اند، لذا از دیدگاه آنها امنیت ملی دولت محور نیست. جنبش های تروریستی، تهدیدهای اقتصادی، زیست محیطی و حتی بیماریها و بلایای طبیعی قابل توجه هستند و هرگاه چنین تهدیدهایی مرزها را در نوردیده و بیش از یک دولت را به خود مشغول دارد به یک مساله بین المللی تبدیل شده است. به اعتقاد لیبرال ها حصول امنیت ملی در سطح بین المللی از طریق همکاری و در سطح داخلی از طریق مشارکت و برقراری دموکراسی میسر است.

۳- رهیافت جامع

این رهیافت جدید در تعریف امنیت ملی ترکیبی از عوامل نظامی و غیر نظامی را در نظر می آورد. اغلب دانشمندان حامی این رهیافت دیدگاه رئالیستی را برای کشورهای پیشرفته و کشورهایی که نه با بحران مشروعیت رو به رو هستند و نه با اقتصاد آسیب پذیر و شکننده و نه با گروه های جدایی طلب سروکار دارند، مفید می دانند. ولی ویژگی های جهان سوم را مانند اقتصاد توسعه نیافته، بی ثباتی سیاسی و ساخت اجتماعی شکننده، عواملی می دانند که فی نفسه در امنیت ملی نقش مهمی ایفا می کنند. اغلب تهدیدها برضد چنین دولت های آسیب پذیری نه فقط از منابع خارجی بلکه از منابع داخلی نیز برمی خیزد.

□ جایگاه امنیت ملی در اسلام

اسلام دارای آموزه های لازم برای طراحی نظریه امنیت، متناسب با اوضاع و احوال این عصر و زمان در تمامی ابعاد آن از جمله معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، اقتصادی، حقوقی و... است. امنیت مورد ادعای اسلام، امنیت پلیسی و خودکامانه نیست. دیدگاه اسلامی معتقد به تقدم فضائل و آرمان هایی مانند عدالت و آزادی بر امنیت است. در دیدگاه اسلام وجه دنیایی و مادی امنیت توأم باوجه الهی و معنوی آن، مورد تاکید است. امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای ابعاد مادی امنیت و ساز و کارهای تامین آن بوده و بین ابعاد معنوی و ساز و کارهای تامین امنیت مادی ارتباط سیستماتیک برقرار است. در باب اهمیت و جایگاه امنیت در اسلام همین نکته بس که امنیت در روایتی در زمره دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی داند مگر این که به

مصیبتی گرفتار شود: «النعمتان مجهولتان، الصحه و الامان». در این روایت، امنیت هم شامل امنیت جانی می شود و هم شامل امنیت مالی و فکری. اگر کشوری یا جامعه ای امنیت نداشته باشد مشکلات بسیاری خواهد داشت و در هیچ یک از موقعیت های خود رشد نخواهد داشت. به همین دلیل است که اسلام به امنیت بسیار اهمیت می دهد. حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه دوم نهج البلاغه، یکی از ویژگی های عصر جاهلیت را فقدان امنیت نام برده و می فرماید: «پیامبر(ص) در سرزمینی ظهور کرد که در آن، خواب مردمانشان، بی خوابی بود و گریه زیاد و مداوم، سرمه چشمانشان را تشکیل داده بود» (... و نومهم سهود و کحلهم دموع...). این، توصیف سرزمینی است که امنیت در آن، حاکم نبود و هر روز و ساعتی، قبیله ای بر قبیله دیگر می تاخت تا خود را حق جلوه دهد، چرا که شعارشان «الحق لمن غلب» بود. ولی اسلام برای امنیت جامعه اسلامی، اهمیت زیادی قائل بوده، دستوراتی نیز پیرامون حفظ امنیت فردی، از محترم شمردن آبرو و عرض انسان گرفته تا حفظ خون و جان و مال، داده است. اسلام در سطح کلان، به مومنین و مسلمانان هشدار داده که مبادا در کارهای کلیدی خود کسانی را شرکت دهید که شما را از درون تضعیف نموده و باعث انحطاط جامعه اسلامی شوند.

به این ترتیب می توان گفت که اسلام برای حفظ امنیت جامعه اسلامی و یا به عبارت دیگر، برای حفظ ارزش های خود، با بیگانگان در ستیز دائمی نیست. اسلام، دروازه های جامعه اسلامی را بر روی دیگران نمی بندد و سیاست انزواطلبی را در پیش نمی گیرد تا امنیت جامعه اسلامی اش حفظ شود، بلکه دستور می دهد که اصل اولیه در روابط و در تأمین روابط جهانی، بر صفا و صمیمیت و محبت و لطف قرار گیرد، مگر این که دلایلی باعث شود که این اصل مقید شده و یا تخصیص بخورد. یکی از مواردی که این اصل تخصیص می خورد، مسأله به خطر افتادن امنیت کشور اسلامی می باشد. بنابراین، اصل اولیه این است که مسلمانان هوشیاری سیاسی شان را از دست ندهند، نه این که از اول اسلحه بردارند و با دیگران بجنگند. قرآن کریم در این باره چنین می فرماید: «یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعا» [۷۱ / نساء]. بر این اساس می توان این بحث را مطرح کرد که اسلام برای حفظ امنیت داخلی خود، استراتژی ها و تاکتیک های خاصی را مد نظر دارد. از دیدگاه اسلام، تا کشوری و یا قدرتی، تهدیدی علیه منافع مسلمین و مصالح و عزت مسلمانان ایجاد نکرده، سیاست

کشور اسلامی باید تدبیر و شناسایی تحرکات کلی باشد و البته در برابر دشمن نیز باید هشیار و مسلح بود. به عبارت دیگر، سیاست خذوا حذرکم داشته باشید، ولی اگر در مرحله ای دشمن، امنیت شما را نه بالقوه، که بالفعل تهدید نمود و به ثغور مسلمین وارد شد، در این صورت، دیگر سیاست خذوا حذرکم پسندیده نیست، بلکه باید به استراتژی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل و ترهبون به عدوا الله» [۶۰ / انفال] عمل نمود. همچنین در آیه نفی سبیل، «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» قرآن دستور هشیاری و بیداری می دهد که بر اساس آن، کفار نباید بر هیچ یک از ابعاد زندگی انسان مسلمان سلطه و برتری داشته باشند. خلاصه این که، اسلام در اصل روابط، خدشه ای وارد نمی کند، ولی می گوید این روابط نباید به گونه ای باشد که دشمنان در کارهای کلیدی شما دخالت نموده و باعث نابودی شما شوند. قرآن در این باره می فرماید: «لم يتخذوا من دون الله و لارسوله و لالمؤمنين وليجه» [۱۶ / توبه]. «ز شما کسی به حقیقت مومن است که جز خدا و رسول و مومنان را هرگز دوست و همراز خود نخواهد گزید.» و نیز در سوره آل عمران می فرماید: «يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا بطانه من دونكم» [۱۱۸ / آل عمران] «آن ها را بطانه قرار ندهید، یعنی آن ها را رازدار خود محسوب نکنید، چرا که اینها در ایجاد فساد و بی نظمی کوتاهی نمی کنند و از مشقات و آسیب شما لذت می برند و از این که شما در تنگنای اقتصادی و فشار مسائل مالی قرار بگیرید خوشحال می شوند.»

از دیدگاه اسلام، امنیت یکی از اصول زندگی فردی و جمعی، زمینه ساز بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات و تکامل بشر و یکی از مقدس ترین آرمان‌هاست، تا جایی که «ایمان یعنی باور همراه با عمل که برای انسان امنیت به ارمغان می آورد در قرآن و نصوص اسلامی به عنوان مقدس ترین سرمایه انسانی شمرده شده است.» علاوه بر این در قرآن کریم شهری که از امنیت برخوردار است به عنوان الگوی سرزمین ایده آل آمده است. [۱۱۲ / نحل]

حضرت علی (ع) می فرماید:

«خدا یا تو می دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می خواستیم نشانه های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم، تا بندگان ستم دیده ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده ات اجرا گردد.» [۱۳۱: ۱۳]

و نیز در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تاکید بر انعقاد پیمان های صلح برای تامین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت را نشان می دهد:

«و از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متساب
که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند. و از اندوه هایت برهاند و شهر هایت
ایمن ماند. زنهار، زنهار، از دشمن خود پس از آشتی بیرهیز که بسا دشمن به
نزدیکی گراید تا غفلتی یابد و کمین خود بگشاید... پس دوراندیش شو و به
راه خوش گمانی مرو.» [۱۴: ۵۳]

□ مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در پرتو نگرش جدید، ما می توانیم بنیاد های دینی برای امنیت ملی ایران تصور کنیم. امنیت فردی در این نگرش اهمیت خاص دارد و یکی از مقوله های امنیت فردی آرامش او در انجام مراسم مذهبی و عمل به وظایف دینی است. در اسلام ایمان فرد حرمت زیادی دارد، به گونه ای که فرد مؤمن در حکومت اسلامی باید بالاترین امنیت را در مسأله ی اعتقادات و تکالیف مذهبی داشته باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران اولین گام برای حوزه ی امنیت فردی مؤمنان ایجاد بستر و فضای ایمن توسط حکومت است. حکومت موظف است در همه ی زمینه ها برای جامعه ی اسلامی و شهروندان مؤمن و متدین، امنیت و فراغ بال در انجام مراسم مذهبی و تکالیف دینی فراهم کند. رعایت شئون اخلاقی در مذاهب رسمی کشور که بخشی از امنیت دینی و فردی است، در قالب امنیت ملی می گنجد و بر دولت است که در تبادلات و تاسیسات فرهنگی مثل سینما و تئاتر با اعمال شرایط و ضوابطی مثل اخذ صلاحیت اخلاقی گردانندگان این مجموعه ها و جلوگیری از نمایش محصولات منافعی نظم، عفت عمومی و اخلاق حسنه با گذاردن موانعی متناسب با مقتضیات سنی کودکان و جوانان امنیت دینی و اخلاقی را تامین کند. [۱۵: ۱۲۰]

از دیدگاه فقه سیاسی ثبات و امنیت ملی واقعی جامعه منوط به میزان رشد فضایل و اخلاقیات در بستر عمومی جامعه است. یعنی افراد مؤمن و متدین به واسطه ی تعهد و التزام به دستورات مذهبی، مایه ی ثبات و دوام جامعه هستند. به همین دلیل وظیفه ی دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل سوم قانون اساسی ایجاد محیط مساعدی برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با مظاهر فساد است. [۱۶: ۲۲۱]

بعد دیگر امنیت در معنای جدید، اجتماعی است. امنیت اجتماعی به معنای آن است که روابط اجتماعی سالم بوده و مردم از امنیت عمومی برخوردار باشند. امروزه مسائلی مثل بیمه های عمومی، درجه ی انتظام عمومی (حضور پلیس) حفظ حوزه ی خصوصی و حریم زندگی شهروندان، مهار خشونت ها و اعمال هراس انگیز؛ از مولفه های امنیت اجتماعی به شمار می رود.

در متون اسلامی و نیز در تاریخ اسلام، این بعد امنیت اهمیت فراوانی دارد و در ساختار اجتماعی و قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز، بنیاد های دینی امنیت اجتماعی نقش موثری دارند. همین نگرش به بعد اجتماعی امنیت است که باعث شده در فقه سیاسی این مسایل بخشی از مباحث حقوقی به شمار آیند. عمید زنجانی معتقد است این حقوق شامل مساوات و برابری، امنیت اجتماعی، آزادی های اساسی، حق دادخواهی، حق آموزش و پرورش و حق برخورداری از تامین اجتماعی است. مبانی دینی این حقوق، اصولی از قبیل عدالت، نفی و رد تجاوز در جامعه، ضمانت اجرای ایمانی و اخلاقی و مجازات متجاوزان است که از آیات قرآن و نهج البلاغه به دست می آید. در این نگرش امنیت اجتماعی شامل احساس امنیت مؤمنان (فتح/ ۴) شهر و جامعه ی امن (نمل/ ۱۱۲) نفی وحشت و ترس، حفظ آبروی مسلمان و حرمت خانواده است. [۴۸۰-۵۵۱: ۱۶]

امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی، ایدئولوژی و اقتدار دستگاه ها و نهاد های حاکمیت است. این ثبات اگر از هم پاشیده و در ذهن و رفتار جامعه، حکومت دچار افت اقتدار شود با کسری امنیت سیاسی روبرو هستیم. در قانون اساسی بخشی از امنیت سیاسی رویکردی دینی دارد. در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر قوای سه گانه، نهادی مذهبی به نام ولایت فقیه (رهبری) وجود دارد که نوعی اشراف مستقیم و غیرمستقیم بر دستگاه سیاسی دارد. از یک منظر این نهاد ضامن اسلامیت نظام (بعد ایدئولوژی امنیت سیاسی) است و از منظر تحلیل امنیتی، ولایت فقیه در حکم ادامه ی منطقی ولایت سیاسی پیامبر (ص) و امام علی (ع) و ضامن حفظ انقلاب اسلامی است. [۱۷: ۵]

بنابر این از دیدگاه امنیت سیاسی، ثبات سازمانی، کارکرد قوای حاکم و نهادهای سیاسی و نیز حفظ ایدئولوژی حکومت (ولایت فقیه) دارای مبانی دینی و شرعی است.

□ امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حکومت - دست کم در نگرش سنتی - متکفل و مسئول امنیت ملی است. حکومت در مقام دستگاه سیاسی کشور که ابزارهای مشروع سلطه و اقتدار را در اختیار دارد به تدبیر امنیت ملی می پردازد. این دستگاه از نهادها و بخش هایی مثل قوای سه گانه، سازمان های تابعه و... تشکیل می شود که ترتیبات، روابط، تشکیلات و وظایف همه آن هارا قانون معین می کند. قانون اساسی مرجع نهایی در این مورد است. هر قانون اساسی دارای مجموعه ای اصول و دارای یک روح حاکم بر آن است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به تصویب مردم ایران رسید، مرجع همه ی سیاست گذاری ها، و برنامه های ملی است. از همین روی امنیت ملی در قانون اساسی از جمله مهمترین وظایف حکومت تلقی شده است. مقطع زمانی تاسیس و تصویب این قانون از لحاظ فضای بین المللی دوران اوج جنگ سرد و سیطره ی نگرش سنتی جنگ محور به امنیت ملی بود. حتی پژوهشگرانی که در باب مبانی نظری و اخلاقی امنیت ملی - که تا حدودی رنگ دینی هم دارد - کار می کردند عمدتاً کارشان متمرکز بر کشف بنیادهای مذهبی، فلسفی و کلامی جنگ و امنیت در عرصه سیاست خارجی بود. [۳۰۷: ۱۸] بر این اساس طبیعی بود که نگرشی جنگ محورانه و راهبردی به مقوله ی امنیت ملی در قانون اساسی نمود یابد.

اگر چه تعالیم اسلامی و آموزه های آن در قانون اساسی و کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران کلی و گسترده است، اما نمی توان هر آنچه را که بر مبنای اسلام مورد استفاده واقع شده است، در حوزه ی امنیت ملی دانست. برای مثال فصل اول قانون اساسی که ۱۴ اصل را در بر می گیرد همگی شامل اصول و ارزش هایی است که برآمده از قرآن و سیره ی پیامبر و ائمه است. اصولی مثل توحید، حاکمیت خداوند، رهبری مذهبی، عدالت و قسط، مشروعیت قوانین اسلامی، خانواده، اتحاد اسلامی، دین رسمی کشور و اخلاق حسنه، بنیاد های دینی قانون اساسی هستند. برای تحدید حوزه ی کار عرصه ی مربوط به امنیت ملی، باید به خود قانون اساسی استناد کنیم. [۹۶: ۱۹]

قانون اساسی در فصل سیزدهم کلیت حوزه ی امنیت ملی را در ذیل شورای عالی امنیت ملی مشخص ساخته است و در تعریف این نهاد چنین آمده است: به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای

عالی امنیت ملی... تشکیل می شود. (اصل ۱۷۶) بنابر این در این اصل ضمن تعریف ابعاد و شاخص های امنیت ملی کشور، هدف شورا را حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی، قلمرو جغرافیایی کشور و حاکمیت ملی دانسته است. از چند و چون منافع ملی در قانون سخنی به میان نیامده و شارحان قانون اساسی هم به آن اشاره ای نکرده اند. فقط در یک مورد گفته شده که منافع ملی همان منافع جامعه و نه عده ای خاص است. [۳۷۸: ۲۰] انقلاب اسلامی نهضتی مبتنی بر استقلال و آزادی خواهی ملت ایران بود که تنها از طریق حکومت اسلامی در شکل جمهوریت و اسلامیت قابل تحقق است. (مقدمه ی قانون اساسی)

تمامیت ارضی ایران شامل حفظ قلمرو جغرافیایی ایران در خشکی و دریاست و هیچ کس حق ندارد به تمامیت ارضی کمترین خدشه ای وارد کند. (اصل نهم) «حاکمیت ملی» به معنای قوای سه گانه و نهاد ولایت فقیه، در اصل همان حق حاکمیت خداوند است که به انسان واگذار شده است. (اصل ۱۵۶) پس دفاع و پاسداری از حاکمیت ملی در حکم وظیفه ی شورای عالی امنیت ملی شامل تحقق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، وجود قوای سه گانه و پذیرش رهبری و تفکیک و استقلال آنها از هم می باشد. (اصول ۱۵۶ و ۱۵۷) بنابر این امنیت ملی ایران بر اساس وظایف شورا، تنها به بعد نظامی و دفاعی (یعنی دیدگاه سنتی) محدود نمی گردد، بلکه شامل ابعاد جدید امنیت، مثل امنیت سیاسی، هم می شود. در نهایت می توان گفت که هدف قانون گذار از تشکیل شورای عالی امنیت ملی هم بنیاد های دینی داشته و هم زیر بنای سیاسی، مثلاً دفاع از منافع ملی و پاسداری از تمامیت ارضی جزو مبانی سیاسی است و پاسداری از انقلاب اسلامی جزو مبانی دینی و دفاع از حاکمیت ملی هم دارای دو مبنا دینی و ملی است. [۱۵۲: ۲۱]

از طرفی دیگر در واقع هدایت اصلی پروژه ی امنیت ملی کشور بر عهده ی نهاد رهبری است، زیرا شورای عالی امنیت ملی تحت نظر رهبری است و مصوبات آن بدون تایید رهبری فاقد اعتبار است. (اصل ۱۷۶) شورای عالی دفاع ملی که در قانون اساسی قبل از سال ۶۸ مبین وجه سخت افزاری و نظامی امنیت ملی و صلاحیتی در همین حد بود، پس از بازنگری تبدیل به شورای عالی امنیت ملی شد. عمید زنجانی معتقد است که ترکیب اعضای این شورا، گویا و نماد مبانی اسلامی و ملی در حوزه ی امنیت است. مثلاً

رئیس جمهور نماد مردمی بودن و جمهوریت، وزیر دفاع نماد نقش نظامی-سیاسی، رئیس ستاد مشترک نماینده ی تخصص نظامی، فرمانده ی کل سپاه نماینده ی حضور نظامی مکتب(جهاد) و دو مشاور به تعیین رهبر، مبین نظارت مکتبی و تامین کننده ی بعد اسلامی شورا است، [۴۷۹: ۲۲]

با توجه به مفاد، وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی و ترکیب اعضای آن، می توان اصطلاح فقهی "حفظ کیان اسلام" را منطبق بر کلیت این شورا دانست. مسأله ی حفظ کیان اسلامی از نظر فقهی نسبت مستقیم با رکن رهبری دارد. رهبری در مقام ولایت امر مسلمین، مسئول حفظ کیان و مأمور تدبیر امور آن بر اساس ضوابط اسلامی است. [۴۱۴: ۲۳]

علاوه بر شاخص شورای امنیت ملی، اصول دیگری از قانون اساسی گویای مبانی امنیت ملی است که در اینجا به طور کلی مورد اشاره قرار می دهیم [۶: ۲۴]

اسلامی و شیعه ی اثنی عشری بودن: اصول ۲، ۴، ۱۲، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۴، ۱۰۵، ۱۷۰، ۱۷۷

نهاد های سیاست گذار عالی و ناظر بر این اصل عبارتند از:

— ولایت فقیه: اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۷۷.

— شورای نگهبان: اصول ۴، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۹.

کرامت و ارزش انسان ها، جمهوری بودن و اتکا به آراء عمومی: اصول ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۵۶، ۵۹، ۱۰۰، ۱۷۵، ۱۷۷.

استقلال — تمامیت ارضی — حفظ ارکان حاکمیت و نیرو های مسلح: اصول ۲، ۹، ۵۷، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۰۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۶. — اصول

مربوط به سه قوه

وحدت ملی و همبستگی ملی: اصول ۲، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۰۰.

قسط و عدل، تساوی حقوق، رشد اقتصادی و فنون: اصول ۲، ۱۹، ۲۰، ۴۴، ۱۴۲، ۱۷۵.

تشکیل امت واحد جهانی و حمایت از مستضعفان: اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴.

حفظ بنیان خانواده: اصل ۱۰.

محیط زیست: اصل ۵۰.

□ نتیجه گیری

بازخوانی بنیاد های دینی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در پرتو نگرش سنتی و جدید به مقوله ی امنیت ملی، نشان می دهد که قبلاً دیدگاه سنتی غالب بوده و سعی شده است مبانی اسلامی امنیت در حوزه ی نظامی و سیاست خارجی استنتاج و استخراج شود. این وضعیت تا حدودی به دلیل تسلط نزدیک به یک دهه فضای جنگی بر کشور طبیعی می نماید. به تعبیر دیگر نحوه ی طرح ارزش ها و مبانی دینی امنیت در متون حقوقی و فقهی معطوف به تفسیر قانون اساسی، نگرش قبض محور است. بدین معنا که از درون فرهنگ و دین اسلام و احادیث و منابع دیگر، مبانی و روش هایی برای تامین امنیت ملی به دست آمده که عمدتاً رویکرد نظامی و سخت افزارانه داشته اند، مثلاً تأکید به مبارزه با خرابکاران و براندازان (محرابه)، تقویت بنیه ی دفاع نظامی (عده و عُدّه)، حفظ مرز های کشور اسلامی (رباطه) و سرکوب ضد انقلاب (منافقین) از این موارد است.

در پرتو تولد و بسط نگرش جدید به امنیت ملی که از ابعاد نظامی و سیاست خارجی به مولفه های داخلی، فراملی و نرم افزاری می نگرد، قانون اساسی و مبانی امنیتی آن هم می تواند شایسته ی مطالعه باشد. حوزه هایی از مبانی اصول اسلامی در قانون اساسی وجود دارد که تنها از نگرش جدید به امنیت، قابل درک است. مثلاً تأکید اسلام بر نظام خانواده، استقرار ارزش ها و اصول دینی در میان توده مردم و توجه به فضایل اخلاقی، حرمت اموال و مالکیت مردمی، توجه به هموعان و صلّه ی رحم، نقش دین در ثبات روانی جامعه و امر به معروف و نهی از منکر، در چارچوب نگرش سنتی به امنیت قابل مناقشه و تحلیل نیستند.

در پرتو نگرش جدید به امنیت ملی است که خلاء پردازش های نظری به مبانی اسلامی امنیت ملی در جمهوری اسلامی به خوبی احساس می شود. باز نگری قانون اساسی در سال ۶۸ و ابتکار اصل ۱۷۶ به خوبی نشانگر توجه به مقوله امنیت ملی با نگرش جدید است معهداً ضرورت مطالعه بنیادهای دینی امنیت و نیز نظریه های جدید احساس می گردد.

□ منابع و مأخذ:

- ۱- برکوتیز، مورتون و باک، پی سی، "گزیده مقالات سیاسی - امنیتی"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- ۲- بشیریه، حسین، "جامعه شناسی سیاسی"، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۳- قوام، عبدالعلی، "اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل"، تهران، سمت، ۱۳۷۰.
- ۴- مدنی، سید جلال الدین، "حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران"، چاپ سوم، تهران، مولف، ۱۳۷۴.
- ۵- عمید زنجانی، حسن، "فرهنگ عمید"، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- ۶- بوزان، باری، "مردم، دولت ها و هراس"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- ۷- ماندل، رابرت، "چهره متغیر امنیت ملی"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
- ۸- قران کریم، سوره نساء، آیه ۷۱.
- ۹- قران کریم، سوره انفال، آیه ۶۰.
- ۱۰- قران کریم، سوره توبه، آیه ۱۶.
- ۱۱- قران کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.
- ۱۲- قران کریم، سوره نحل، آیه ۱۱۲.
- ۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.
- ۱۴- نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳.
- ۱۵- مومنی، منوچهر، "آزادی های عمومی و حقوق بشر"، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- عمید زنجانی، عباسعلی، "فقه سیاسی"، ج اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- ۱۷- "ملاحظات امنیتی ولایت فقیه" پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
18. Knorr Klaus (aditor) Historical Dimension of National Security Problems Alen press USA 1976.
- ۱۹- شاکری، رضا، "مبانی اسلامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، نشریه مطالعات راهبردی، شماره ۱۵.
- ۲۰- مدنی، سید جلال الدین، "حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران"، تهران مولف ۱۳۷۵.
- ۲۱- شعبانی، قاسم، "حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران"، اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۲۲- عمید زنجانی، همان.

- ۲۳- هاشمی، سید محمد، "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"، ج اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- ۲۴- ره پیک، حسن، "امنیت ملی و تحدید حقوقی آن"، نشریه مطالعات راهبردی، شماره ۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی